

هفتاد سال عاشقانه

محمد مختاری

فرهنگ نشر نو
با همکاری نشر اسیم
تهران - ۱۳۹۸

فهرست

مقدمه مؤلف / ۱

یادآوری / ۳

روش گزینش / ۵

ذهنیت غنایی معاصر / ۲۱

۲۳	رابطه بی واسطه	۸۹
۲۴	شعر رمانتیک	۹۸
۲۵	رمانتیسیسم	۹۹
۲۷	تناقض مجسم	۱۰۰
۳۲	رؤیا، طبیعت، عشق	۱۰۴
۳۴	ناخودآگاه	۱۰۶
۳۸	رمانتیسم ایرانی	۱۰۶
۴۳	الف - رمانتیسم فردی - عاشقانه	۱۱۰
۵۰	ب - رمانتیسم اجتماعی - انقلابی	۱۱۹
۵۵	اروتیسم و شعر اروتیک	۱۳۲
۶۰	اروتیسم	۱۳۵
۶۶	شعر عاشقانه جنسی	۱۴۲
۷۶	۱ - شعر اروتیک در معرفت جسم	۱۴۴
۷۸	۲ - شعر رمانتیک جنسی	۱۴۸
۸۰	۳ - شعر جنسی در مغازله‌های باب روز	۱۵۰
۸۳	۴ - طرح جنسی زبان	۱۵۳
۸۵	مدیحه عاشقانه	۱۵۵
۸۸	ذهنیت غنایی	۱۶۹
	درک وحدت	
	تجزیه و دوگانگی	
	عشق دگرسان	
	حافظ	
	گرایش‌های کهن	
	فرخی؛ خواهش تن	
	ویس و رامین؛ شور عشق	
	سعدی؛ گرایش میانه	
	لیلی و مجنون؛ عشق به عشق	
	مولوی؛ عشق روح	
	سلامان و ابسال؛ رمز روح	
	عشق افلاطون	
	عشق محض	
	عشق و شهادت	
	اشراق	
	عشق طبیعی منهاج عشق روحانی	
	انسان کامل	
	گرایش عاشقانه نو	

گزینۀ شعر / ۱۸۳

نیما یوشیج / ۱۸۵

بخشی از افسانه / ۱۸۵ □ آواز قفس / ۱۹۳ □ هنگام که گریه
می‌دهد ساز / ۱۹۴ □ در بسته‌ام / ۱۹۵ □ هنوز از شب ... /
۱۹۷ □ ترامن چشم در راهم / ۱۹۸

حبیب ساهر / ۱۹۹

سایهٔ من / ۱۹۹ □ خم شو بر آب‌ها / ۲۰۰

ژاله اصفهانی (سلطانی) / ۲۰۲

فراموش کرده‌ام / ۲۰۲

منوچهر شبیانی / ۲۰۳

ستایش / ۲۰۳

ه.ا. سایه (هوشنگ ابتهاج) / ۲۰۶

نیلوفر / ۲۰۶ □ احساس / ۲۰۷ □ گریز / ۲۰۷

شین. پرتو (علی شیرازپور) / ۲۰۹

هرگز نمرده‌اند / ۲۰۹

سهراب سپهری / ۲۱۲

شب هماهنگی / ۲۱۲ □ از روی پلک شب / ۲۱۳ □ به باغ
همسفران / ۲۱۴ □ همیشه / ۲۱۶

احمد شاملو / ۲۱۸

باران / ۲۱۸ □ باغ آینه / ۲۱۹ □ شبانه / ۲۲۱ □ شبانه / ۲۲۲ □

فراقی / ۲۲۴ □ عاشقانه / ۲۲۵

گلچین گیلانی (مجدالدین میرفخرایی) / ۲۲۸

ای کاش / ۲۲۸

محمدعلی اسلامی ندوشن / ۲۳۰

شب آخر / ۲۳۰ □ محراب / ۲۳۲

سیمین بهبهانی / ۲۳۳

شب، لاجورد و خاموشی ... / ۲۳۳ □ برآمده از آبنوس و شب /

۲۳۴ □ نیلوفری چو حلقهٔ دود / ۲۳۵

فریدون توللی / ۲۳۷

مهتاب / ۲۳۷ □ کارون / ۲۳۸

مهدی اخوان ثالث (م. امید) / ۲۴۱

غزل / ۲ / ۲۴۱ □ لحظهٔ دیدار / ۲۴۲ □ غزل / ۳ / ۲۴۳ □

غزل / ۴ / ۲۴۴ □ غزل / ۶ / ۲۴۵

هوشنگ ایرانی / ۲۴۸

افسون / ۲۴۸ □ از شعر کجاست سایهٔ تو، ای خورشید گمشده / ۲۵۰

اسماعیل شاهرودی (آینده) / ۲۵۲

و شب به ... / ۲۵۲ □ باز هم ... / ۲۵۳ □ آبی‌رنگ / ۲۵۴

غلامحسین غریب / ۲۵۹

برقص دختر ترکمن، برقص آتش / ۲۵۹

فریدون کار / ۲۶۲

اشک و بوسه / ۲۶۲

نصرت رحمانی / ۲۶۴

ترمه / ۲۶۴ □ در عطر عشق / ۲۶۵ □ من آبروی عشقم / ۲۶۷

نادر نادرپور / ۲۷۱

نگاه / ۲۷۱ □ گل ماه / ۲۷۲ □ زنی چراغ به‌دست / ۲۷۴ □

آیینه / ۲۷۵

منوچهر نیستانی / ۲۷۶

اینک آن عاشق‌وار / ۲۷۶ □ تویی مضایقه خوبی / ۲۷۸

هوشنگ بادیه‌نشین / ۲۸۰

کجیک / ۲۸۰ □ از شعر بلند چهرهٔ طبیعت / ۲۸۱ □ گام‌ها / ۲۸۲

محمد زهری / ۲۸۴

شب گفت / ۲۸۴ □ او هوایم را داشت / ۲۸۵

فروغ فرخزاد / ۲۸۶

وصل / ۲۸۶ □ فتح باغ / ۲۸۸ □ تولدی دیگر / ۲۹۰ □ از

ایمان بیاوریم ... / ۲۹۳ □ پنجره / ۲۹۵

محمود مشرف آزاد تهرانی / ۲۹۸

شک‌های شبانه / ۲۹۸ □ اندوه شیرین / ۳۰۰ □ در صبح

ماهتابی / ۳۰۱

- فریدون مشیری / ۳۰۵
 تو نیستی که ببینی / ۳۰۵ □ مروارید مهر / ۳۰۸
 لعبت والا (شیبانی) / ۳۰۹
 وصل / ۳۰۹
 فرخ تمیمی / ۳۱۱
 از ارتفاع / ۳۱۱ □ ارتفاع سبز / ۳۱۲ □ بی بی طلا / ۳۱۴
 اسماعیل خویی / ۳۱۵
 غزلواره / ۱۰ □ ۳۱۵ / ۱ □ ۳۱۶ / ۲ □ ۳۱۶ / ۳ □ ۳۱۷ / ۴ □
 ۳۱۸ / ۵ □ غزلواره / ۲۱ □ ۳۱۸ □ غزلواره بدرود با سارا / ۳۲۰
 پرویز داریوش / ۳۲۶
 Quo Vadis / ۳۲۵
 اسماعیل رها / ۳۲۹
 شعر / ۹۱ □ ۳۲۹ / شعر / ۱۲۹ □ ۳۲۹ □ شعر / ۱۳۵ / ۳۳۰
 محسن هشترودی / ۳۳۱
 سایه‌ها / ۳۳۱
 سیاوش کسرای / ۳۳۳
 بهانه / ۳۳۳ □ آغاز... / ۳۳۴ □ کرانه عظیم دوست داشتن / ۳۳۵
 یدالله مفتون امینی / ۳۳۷
 در بین زرد و سبز / ۳۳۷ □ عشق در این جا / ۳۳۹ □ پیر و
 پنجره / ۳۴۱
 شرف‌الدین خراسانی (شرف) / ۳۴۲
 آن دو / ۳۴۲
 حسن هنرمندی / ۳۴۴
 تشنه / ۳۴۴
 فریدون رهنما / ۳۴۶
 از کتاب آوازهای رهایی / ۳۴۶ □ ۱ / ۳۴۶ □ ۲ / ۳۴۸
 منوچهر آتشی / ۳۵۰
 با آن‌که پشت پنجره خواندم / ۳۵۰ □ فراقی‌ها (۱) / ۳۵۲ □ فراقی‌ها
 (۴) / ۳۵۴ □ نجوم وهم / ۳۵۶ □ بانوی گندم و گیلان / ۳۵۷

- یدالله رؤیایی / ۳۵۹
 دریایی / ۳ □ ۳۵۹ □ دل‌تنگی / ۲۱ □ ۳۶۰ □ لبریکته / ۱۷۴ □ ۳۶۲
 پرده‌ام برمی‌داری / ۳۶۳
 محمود کیانوش / ۳۶۵
 سپید / ۳۶۵ □ نام / ۳۶۶
 احمدرضا احمدی / ۳۶۷
 از عشق / ۳۶۷ □ شعر / ۹ □ ۳۶۸ □ از شعر چه میوه‌ها (۵) / ۳۷۰
 رضا براهنی / ۳۷۱
 یکسان (۸) / ۳۷۱ □ از شعر بلند رؤیای آتش / ۳۷۲ □ ماه / ۳۷۵
 بیژن جلالی / ۳۷۸
 از عشق من تخته‌سنگی خواهد ماند / ۳۷۸ □ سایه زنی / ۳۷۹ □
 تن تو / ۳۷۹ □ تن بارانی تو / ۳۸۰
 طاهره صفارزاده / ۳۸۱
 رهگذر مهتاب / ۳۸۱ □ از شعر بلند سفر عاشقانه / ۳۸۳
 حمید مصدق / ۳۸۶
 شعر / ۳ □ ۳۸۶ □ از شعر بلند رهگذار باد / ۳۸۸
 اسماعیل نوری علاء / ۳۸۹
 از شعر لیل‌القدر / ۳۸۹ □ ۳ □ ۳۸۹ □ ۴ □ ۳۹۰ □ ۵ □ ۳۹۰
 به هم بافته می‌شویم / ۳۹۱
 پرویز خانفی / ۳۹۳
 درد / ۳۹۳ □ ناگاه / ۳۹۴
 محمدعلی سیانلو / ۳۹۵
 استحاله هوا / ۳۹۵ □ غزل ناخدا / ۳۹۷ □ یادگار گل بیخ / ۳۹۸
 تقی هنرور شجاعی / ۴۰۱
 هنگام کار خواهری بیدها / ۴۰۱
 پرویز ناتل خانلری / ۴۰۳
 ماه در مرداب / ۴۰۳
 داود رمزی / ۴۰۵
 مسلخ ترا می‌خواند / ۴۰۵

روش گزینش

گزینه‌ای که بخواهد هفتاد سال شعر عاشقانه معاصر را نمایندگی کند، باید دو مشخصه اساسی داشته باشد:

- ۱- تمام دستگاه‌های زیبایی‌شناسی شعر معاصر را در بر گیرد.
- ۲- نمودار روند تکوین و تحول ذهنیت و ساخت‌غنائی معاصر باشد.

یعنی باید هم نمونه‌هایی از آثار اعضای متشخص هر دستگاه شعری موجود را ارائه دهد؛ و هم فاصله میان دستگاه‌ها، طیف پیرامونی آنها، نشان‌گسترش ساخت‌ها و حرکت پیوسته از یک اوج تا اوج دیگر شعری را بنمایاند.

نگاهی مختصر، اما فارغ از گرفتاری‌های تنگ‌نظرانه، و گروه‌گرایانه به هویت و عملکرد تاریخی شعر معاصر، نشانگر آن است که این هویت و عملکرد به‌گونه‌های متفاوتی نمودار شده است. هم‌گونه نیمایی شعر، و شعبه‌های منقسم از آن را نشان می‌دهد؛ با کیفیت‌ها و نمودهای مختلف، از شاهرودی و رحمانی و نادرپور و کسرای گرفته تا فرخزاد و رؤیایی و

آتشی و آزاد و ... هم گونه شاملویی شعر و گروندگانش را در بر می‌گیرد، هم گرایش اخوانی و حوزه گسترش و تابعانش در آن نمودار است. هم آن گونه‌ای از شعر که به موازات و یا در حاشیه گونه نیمایی، از خانلری و گلچین تا توللی و مشیری، خود را کشانده است، در آن دیده می‌شود، و هم آن گونه‌ای که با موج دگرگونه‌تری، در دل آن یا از دل آن، به راه افتاده، و کلامی به زبان ایرانی، بادیه‌نشین، احمدی، سپهری و ... به بار آورده است. هم نمودی از چشم‌انداز زیبایی‌شناسی شاعران دهه پنجاه در آن هست؛ و هم آنچه امروز به گونه هم‌نهاد تکاملی همه این گرایش‌ها و نگرش‌ها در جریان است.

البته به‌رغم این واقعیت انکارناپذیر، هنوز هم کم نیستند کسانی که یک دستگاه شعری، یا یک مبنای ذهنی، و یا یک الگوی ذوقی، و از همه بدتر حتی یک گرایش عقیدتی-سیاسی را اساس پسند و ارزیابی قرار می‌دهند، و همه گونه‌های شعری این دوران را تنها با آن می‌سنجند و «تابوت پروکرستی»^۱ شان را میزان پژوهش و گزینش، یا رد و قبول همه شعرها می‌شناسند و می‌شناسانند. در نتیجه چه‌بسا در کل تاریخ شعر معاصر، دو سه تن بیشتر شاعر نمی‌یابند، و بدین هم اکتفا نمی‌کنند، و دیگران را چه با صراحت، و چه به کنایه، بر باطل می‌انگارند.

اینان مثلاً یا اخوان را ملاک و معیار اصلی خویش می‌کنند، و در نتیجه رؤیایی و احمدی و حقوقی و آزاد و ... را از دایره خلاقیت بیرون می‌رانند، و یا شاملو را اساس قرار می‌دهند، و اخوان و سپهری و جلالی و خوبی و ... را نمی‌پسندند، و رد می‌کنند. دایره گزینش اینان همواره به حوزه‌ای متجانس با خودشان محدود است. یک شاعر پیرو، اما متعلق به دار و دسته ذهنی و زبانی خودشان، را بر ده شاعر مبتکر، اما بیرون از دایره حساسیت خودشان، ترجیح می‌دهند. و گاه نیز که به دیگران می‌پردازند، یا از سر ناگزیری است، یا برای خالی نبودن عریضه. به شعر دو دهه اخیر هم که

۱. در اساطیر یونان، پروکرست راه‌زنی است که اسیران خود را بر تختی می‌نشاند. اگر پاهای اسیر از تخت بلندتر بود، آن را قطع می‌کرد و اگر قامت اسیر نگون‌بخت کوتاه‌تر از تخت بود آنقدر او را می‌کشید تا هم‌اندازه تخت گردد.

می‌رسند، دیگر نه چشمشان اصلاً جایی را می‌بیند، و نه گوششان اصلاً چیزی را می‌شنود.

اما چنان‌که یاد کردم، هم خصلت و واقعیت شعر معاصر، با چنین گرایش بیمارگونه‌ای مغایر است و هم دستاوردهای ذهنی و فرهنگی امروز، از این پندارهای کهنه‌بازدارنده برکنار است. ذهنیت رو به رشد امروز جامعه ما، پس از صدمه‌ها و لطمه‌های فراوان و جبران‌ناپذیری که از همین خصلت پوسیده دفع و حذف و رد و انکار دیگری، به‌ویژه در عرصه‌های عقیدتی و اندیشگی و سیاسی دیده است، در راه درک حضور دیگری است. و اصحاب تنگ‌نظری و خودمحوری و خودحقیقت‌پنداری استبدادی، و سستی را پس می‌زنند.

امروز چه در عرصه فرهنگ و هنر جهانی، و چه در ذهنیت فرهیخته معاصر، این ادراک در حال رشد و گسترش است که زیبایی‌شناسی، در حد متعالی خود، حتماً جذب‌کننده است. زبان شعر نه تنها زبان همبستگی ملی، که زبان همگرایی جهانی است. جذب در عین گوناگونی، همواره کارکرد هنر بوده است. اما مشکل اساسی ما، ضعف و کمبود تجربه دموکراتیک و فرهنگ جذب بوده است. به همین سبب از این دستاورد هنر نیز به دور می‌افتاده‌ایم. و درحقیقت خود را از لذت دیدار با بسیاری از دستاوردهای غنایی معاصر محروم می‌کرده‌ایم.

ادراک دیگری، یعنی ادراک ذهن و زبان دیگری، نه تنها یک ضرورت که یک واقع‌نگری است. شأن و حق رأی و گونه حضور دیگری، از خاصیت تنوع و کثرت خود زندگی و شعر و هنر، و باور به آزادی، نشأت می‌گیرد. درنیافتن چنین واقعیتی، ما را در همان تنگنایی قرار می‌دهد که تاکنون با خود حقیقت‌پنداری مستبدانه، در عرصه‌های مختلف اجتماعی، به‌ویژه در عرصه سیاسی، مصیبت‌های بزرگ و اسف‌باری را سبب شده است.

به نظر من به همین سبب نیز هست که تاکنون حتی یک گزینه یا به تعبیر فرنگیان یک آنتولوژی جامع و مانع از شعر معاصر نداشته‌ایم تا بتواند به خواننده بفهماند که نمودار واقعی این هفتاد سال تجربه، با همه کم‌وکیف و اوج و فرودش، چیست و چگونه است.